

رابطه قابلیت مقایسه حسابداری با مدیریت سود واقعی و تعهدی

علی رحمانی^۱، فاطمه قشقایی^۲

چکیده: هدف پژوهش حاضر بررسی رابطه بین قابلیت مقایسه حسابداری و انتخاب رویکرد مدیریت سود است. انجام مدیریت سود با استفاده از دو روش ارقام تعهدی و واقعی امکان پذیر است. قابلیت مقایسه نیز یکی از ویژگی های کیفی اطلاعات حسابداری است که استفاده کنندگان صورت های مالی را قادر می سازد تا شباهت ها و تفاوت های موجود بین دو مجموعه از اطلاعات را شناسایی و درک کنند و در تصمیم گیری های خود مدنظر قرار دهند. یکی از عواملی که به صورت بالقوه می تواند این ویژگی را مخدوش کند، استفاده از مدیریت سود تعهدی است. در این پژوهش به منظور ارزیابی ویژگی قابلیت مقایسه، از خروجی سیستم حسابداری استفاده شده و رابطه بین سود و بازدهی شرکت های هم صنعت، بررسی می شود. نمونه آماری پژوهش شامل ۷۲ شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، در شش صنعت، طی سال های ۱۳۸۴ تا ۱۳۹۴ است. یافته های پژوهش نشان می دهد بین ویژگی قابلیت مقایسه ارقام حسابداری و مدیریت سود واقعی و تعهدی، رابطه معناداری وجود ندارد.

واژه های کلیدی: تصمیم گیری، قابلیت مقایسه حسابداری، مدیریت سود بر مبنای ارقام تعهدی، مدیریت سود واقعی، مدیران.

۱. استاد حسابداری، دانشکده علوم اجتماعی و اقتصادی، دانشگاه الزهرا (س)، تهران، ایران

۲. دانشجوی دکتری حسابداری، دانشکده علوم اجتماعی و اقتصادی، دانشگاه الزهرا (س)، تهران، ایران

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۶/۰۱/۲۳

تاریخ پذیرش نهایی مقاله: ۱۳۹۶/۰۹/۳۰

نویسنده مسئول مقاله: فاطمه قشقایی

E-mail: Ghashghaei.fatemeh@gmail.com

مقدمه

سرمایه‌گذاران و اعتباردهندگان همواره تلاش می‌کنند که با کسب اطلاع از وضعیت مالی و عملیاتی شرکت‌ها و مقایسه آن با اطلاعات سایر شرکت‌های رقیب، بهترین انتخاب‌ها را انجام دهند. بی‌شک، گزارش‌های مالی شرکت‌ها یکی از سودمندترین منابع مورد استفاده در این زمینه‌اند. سودمندی این گزارش‌ها نشئت گرفته از ویژگی‌های کیفی متعدد آنهاست که قابلیت مقایسه، یکی از این ویژگی‌ها محسوب می‌شود. هیئت استانداردهای حسابداری مالی (FASB) در سال ۱۹۸۰، در تعریف قابلیت مقایسه بیان کرد که قابلیت مقایسه ویژگی کیفی اطلاعات است که استفاده‌کنندگان را قادر می‌سازد شباهت‌ها و تفاوت‌های موجود بین دو مجموعه از پدیده‌های اقتصادی را شناسایی و درک کنند. دی‌فرانکو، کوتاری و وردی (۲۰۱۱) نیز سیستم حسابداری را نظامی در نظر می‌گیرند که مسئولیت آن ترسیم نقشه‌هایی^۱ از رویدادهای اقتصادی در قالب صورت‌های مالی است. آنها معتقدند که اگر سیستم حسابداری دو شرکت، برای مجموعه‌ای یکسان از رویدادهای اقتصادی، صورت‌های مالی مشابهی تولید کند، این دو سیستم قابل مقایسه هستند. قابلیت مقایسه، موجب بالا رفتن سرعت پردازش اطلاعات و درک سریع‌تر شباهت‌ها و تفاوت‌های موجود در گزارش‌ها شده و هزینه‌ها و خطاهای مرتبط با فرایند پردازش اطلاعات توسط سرمایه‌گذاران و تحلیلگران را کاهش می‌دهد. به بیان دیگر، هرچه قابلیت مقایسه ارقام حسابداری افزایش پیدا کند، این اطلاعات برای استفاده‌کنندگان برون‌سازمانی و فعالان بازار شفاف‌تر می‌شوند (سون، ۲۰۱۶). از این رو، سرمایه‌گذاران علاقه‌مندند گزارش‌هایی را دریافت کنند که قابلیت مقایسه بیشتری داشته باشند.

ویژگی قابلیت مقایسه اطلاعات حسابداری در پژوهش‌های معدودی بررسی شده است؛ زیرا این خاصه، یک ویژگی نسبی بوده و مانند سایر خاصه‌های حسابداری، مطلق و مستقل نیست و می‌تواند یکی از دلایل بررسی نشدن آن در پژوهش‌ها باشد. از این رو بررسی قابلیت مقایسه، به‌ویژه برای نمونه‌های بزرگ، کار دشواری است (سون، ۲۰۱۶). به‌طور کلی می‌توان پژوهش‌هایی را که در زمینه قابلیت مقایسه ارقام حسابداری انجام شده‌اند، به دو گروه تفکیک کرد: بر حسب معیار سنجش قابلیت مقایسه (ورودی سیستم حسابداری یا خروجی آن)، بر حسب نحوه تأثیر عوامل بر قابلیت مقایسه (کاهنده یا افزایشده).

منظور از «معیار سنجش» قابلیت مقایسه، این است که «قابلیت مقایسه ارقام حسابداری» با توجه به ورودی‌های سیستم حسابداری یا خروجی‌های آن سنجیده می‌شود. برخی پژوهشگران (برای مثال بارث، لندزمن و لانگ، ۲۰۰۸ و لانگ، مافت و اونز، ۲۰۱۰)، کاربرد استانداردهای

حسابداری یکسان و رویه های حسابداری یکسان را به عنوان معیارهایی از قابلیت مقایسه ارقام حسابداری در نظر گرفته اند. منطق استدلال آنها این است که استفاده از ورودی های یکسان، موجب تولید خروجی هایی می شود که با یکدیگر قابل مقایسه اند. در مقابل، دی فرانکو و همکارانش (۲۰۱۱) به منظور سنجش قابلیت مقایسه، مدلی ارائه کردند که بر خروجی های سیستم حسابداری متمرکز است. آنها در این مدل از اطلاعات مربوط به سود و بازدهی، به عنوان معیارهایی از قابلیت مقایسه ارقام حسابداری استفاده کردند. منطق استدلال این پژوهشگران بر این است که اگر دو سیستم حسابداری مشابه و قابل مقایسه با یکدیگر باشند، خروجی آنها نیز باید قابل مقایسه با یکدیگر باشد.

نوع دوم پژوهش ها که بر «نحوه تأثیر عوامل» متمرکزند، به این نکته می پردازند که چه عواملی موجب افزایش یا کاهش قابلیت مقایسه ارقام حسابداری می شوند. بسیاری از پژوهش های گذشته، بر عواملی نظیر استفاده از استانداردهای حسابداری یکسان، رویه های حسابداری یکسان و ... به عنوان عوامل افزایش دهنده قابلیت مقایسه تمرکز داشتند، پژوهش لانگ و همکاران (۲۰۱۰) و دی فاند، هو، هانگ و لی (۲۰۱۱) نمونه هایی از این موارد هستند. در مقابل، سون (۲۰۱۶) در پژوهش خود با رویکرد متفاوتی به بررسی عاملی پرداخته است که کاربرد آن موجب کاهش قابلیت مقایسه ارقام حسابداری شرکت ها می شود. از نظر سون، مدیریت سود تعهدی یکی از عوامل بالقوه ای است که موجب کاهش قابلیت مقایسه ارقام حسابداری شرکت ها می شود. مدیریت سود، به طور کلی از دو راه امکان پذیر است: مدیریت فعالیت های واقعی و مدیریت اقلام تعهدی. در مدیریت سود از طریق دستکاری اقلام تعهدی اختیاری، رویه های حسابداری به کار گرفته شده مبتنی بر اصول پذیرفته شده حسابداری هستند، اما تلاش می شود عملکرد اقتصادی واقعی، مبهم نشان داده شود. مدیریت سود واقعی زمانی روی می دهد که مدیران فعالیت هایی را انجام دهند که آنها را از بهترین عملکرد منحرف کند، به گونه ای که بتوانند سودهای مدنظرشان را گزارش کنند (رحمانی و رامشه، ۱۳۹۲). از این رو، به کارگیری مدیریت سود بر مبنای اقلام تعهدی اختیاری می تواند تهدید جدی برای قابلیت مقایسه اطلاعات حسابداری شمرده شود، هرچند خلاف اصول پذیرفته شده عمومی حسابداری نباشد. به این ترتیب، انتظار می رود در شرایطی که مدیران به دنبال حفظ منافع حاصل از ویژگی قابلیت مقایسه اطلاعات حسابداری برای شرکت خود هستند، کمتر از مدیریت سود بر مبنای اقلام تعهدی اختیاری استفاده کرده و به عنوان رویکرد جایگزین، بیشتر به سمت استفاده از مدیریت سود بر مبنای اقلام واقعی گرایش پیدا کنند.

با توجه به محدود بودن پژوهش‌هایی که تا کنون قابلیت مقایسه حسابداری را برحسب خروجی‌های سیستم حسابداری سنجیده‌اند و همچنین پژوهش‌هایی که به بررسی عوامل کاهنده قابلیت مقایسه حسابداری پرداخته‌اند، پژوهش حاضر این دو حوزه را مدنظر قرار داده است و هدف اصلی آن، بررسی رابطه بین ویژگی قابلیت مقایسه ارقام حسابداری و انتخاب روش مدیریت سود با استفاده از مدل دی‌فرانکو و همکارانش (۲۰۱۱) است. همچنین در این پژوهش از مدل دی‌چو، اسلون و سوئینی (۱۹۹۵) به منظور بررسی مدیریت سود تعهدی و مدل روی چودهری (۲۰۰۶) به منظور بررسی مدیریت سود واقعی استفاده شده است.

پیشینه نظری پژوهش

سرمایه‌گذاران، قانون‌گذاران، دانشگاهیان و پژوهشگران، همه بر اهمیت قابلیت مقایسه صورت‌های مالی تأکید می‌کنند، اما علی‌رغم این تأکیدها، تاکنون سازه حسابداری مشخصی برای سنجش قابلیت مقایسه ارائه نشده است (دی‌فرانکو و همکاران، ۲۰۱۱). کمیسیون بورس و اوراق بهادار (SEC) در سال ۲۰۰۰ بیان می‌کند که توجه به ویژگی قابلیت مقایسه، هنگام تصمیم‌گیری سرمایه‌گذاران در خصوص فرصت‌های سرمایه‌گذاری جایگزین و تخصیص بهینه منابع مشخص خواهد شد. این ویژگی موجب تسهیل تخصیص سرمایه و افزایش اعتماد سرمایه‌گذاران می‌شود. هیئت استانداردهای حسابداری مالی (FASB) در سال ۱۹۸۰ در چارچوب مفهومی خود بیان می‌کند که «تصمیم‌های سرمایه‌گذاری و اعطای وام، اساساً با ارزیابی فرصت‌های جایگزین در ارتباط است و اگر اطلاعات قابل مقایسه در دسترس نباشد، نمی‌توان تصمیم‌های منطقی اخذ نمود». دو هیئت FASB و IASB در سال ۲۰۱۰ در چارچوب مفهومی مشترک خود، قابلیت مقایسه حسابداری را ویژگی کیفی اطلاعات مالی برشمردند که استفاده‌کنندگان را قادر می‌سازد شباهت‌ها و تفاوت‌های موجود در اقلام گزارش شده را شناسایی و درک کنند. بر اساس مبانی نظری استانداردهای حسابداری ایران (۱۳۹۰) ویژگی قابلیت مقایسه، یکی از خصوصیات کیفی اطلاعات حسابداری است که به ارزیابی استفاده‌کنندگان صورت‌های مالی از وضعیت مالی، عملکرد مالی و انعطاف‌پذیری مالی واحد تجاری کمک می‌کند. ثبات رویه و افشای کامل، از جمله خصوصیات کیفی دیگری هستند که در چارچوب نظری استانداردهای حسابداری ایران، زیرمجموعه قابلیت مقایسه قرار گرفته‌اند.

قابلیت مقایسه یکی از ویژگی‌های گزارشگری مالی است که کمیت و کیفیت اطلاعات در دسترس برای سرمایه‌گذاران را افزایش می‌دهد و به آنها امکان می‌دهد از طریق ارزیابی عملکرد گذشته شرکت، عملکرد آتی آن را با دقت بیشتری پیش‌بینی کرده و بر مبنای آن تصمیم‌گیری

کنند (فروغی و قاسم‌زاد، ۱۳۹۴). بدیهی است که قابلیت مقایسه برای شرکت‌هایی که در یک صنعت فعالیت می‌کنند و ساختار بازار سرمایه آنها شباهت بیشتری دارد، باید بیشتر از شرکت‌هایی باشد که در صنایع مختلف یا در بازارهای سرمایه‌ای فعالیت می‌کنند که شباهت کمتری دارند. قابلیت مقایسه برای شرکت‌هایی که ویژگی‌های ساختار سود آنها مشابه است، بیشتر از سایر شرکت‌هاست. برای مثال، کیفیت ارقام تعهدی، پیش‌بینی‌پذیری سود، هموارسازی سود و حتی گزارش زیان، می‌توانند عوامل مؤثری بر قابلیت مقایسه اطلاعات شرکت‌ها باشند (دی‌فرانکو و همکاران، ۲۰۱۱).

براساس تئوری‌های مربوط به مدیریت سود، دو دیدگاه کلی وجود دارد؛ دیدگاه رفتار فرصت‌طلبانه و دیدگاه مدیریت سود اثربخش. در دیدگاه فرصت‌طلبانه، هدف از مدیریت سود، برآورده کردن اهداف شخصی مدیران است که در موارد بسیاری با منافع مالکان و سهامداران متضاد است. استفاده از این روش در آینده برای شرکت پیامدهای منفی به دنبال خواهد داشت. در دیدگاه مدیریت سود اثربخش، بحث علامت‌دهی مطرح می‌شود. در این رویکرد، هدف از مدیریت سود، بهبود وضع شرکت است و فرض می‌شود که مدیر با هدف افزایش اثربخشی و کارایی عملیات شرکت، دست به مدیریت سود می‌زند. استفاده از این روش در آینده برای شرکت پیامدهای مثبتی را به دنبال خواهد داشت (عظیمی و مشایخی، ۱۳۹۵). به‌طور کلی دو نوع مدیریت سود وجود دارد، مدیریت سود واقعی و مدیریت سود تعهدی.

مدیریت سود تعهدی با استفاده از تغییر روش‌های حسابداری و برآوردهای انجام شده، هنگام گزارشگری در صورت‌های مالی صورت می‌گیرد. برای مثال می‌توان به تغییر در روش استهلاک دارایی‌ها و تغییر در ذخیره مطالبات مشکوک‌الوصول اشاره کرد. معمولاً این روش موجب می‌شود سود حسابداری بدون این که آثار نقدی‌ای برجای داشته باشد، به هدف مد نظر نزدیک شود. در مدیریت سود با استفاده از ارقام واقعی، فعالیت‌های واقعی شرکت به‌طور عمدی دستکاری می‌شود تا سود گزارش شده به هدف مد نظر مدیران نزدیک شود. این روش از طریق تغییر در زمان‌بندی فعالیت‌ها یا تغییر در ساختار معاملات صورت می‌گیرد (دچو و همکاران، ۱۹۹۵). روی چودهری (۲۰۰۶) برای مدیریت سود واقعی سه روش در نظر می‌گیرد: تغییر در زمان‌بندی فروش، تغییر در هزینه‌های اختیاری و تغییر در حجم تولید. در رویکرد تغییر در فروش، با اعطای تخفیفات یا تغییر در شرایط اعتباری، مدیران سود دوره جاری را تغییر می‌دهند. این اقدام به‌صورت مستقیم بر جریان‌های نقدی اثرگذار است. در رویکرد تغییر در هزینه‌های اختیاری، مخارجی مانند تحقیق و توسعه، تبلیغات، تعمیرات، هزینه‌های اداری و عمومی با توجه به هدف مدیر، تغییر می‌کنند. در روش سوم مدیریت سود واقعی، مدیران می‌توانند از طریق تنظیم میزان

تولید، هزینه‌های سربار تولید را به تعداد کمتر یا بیشتری از واحدهای تولید شده تخصیص داده و حاشیه سود محصولات را مطابق نظر خود تغییر دهند.

پیشینه تجربی پژوهش

قابلیت مقایسه

کیم و لی (۲۰۱۰) در پژوهشی به بررسی اثر پذیرش اجباری استانداردهای IFRS بر انتقال اطلاعات درون صنعت از اعلامیه‌های سود پرداختند. یافته‌های این پژوهش نشان داد افزایش کیفیت گزارشگری مالی و بهبود ویژگی قابلیت مقایسه اطلاعات حسابداری در نتیجه پذیرش IFRS موجب انتقال بهتر اطلاعات درون صنعت می‌شود. دی‌فرانکو و همکارانش (۲۰۱۱)، در به بررسی تأثیر قابلیت مقایسه صورت‌های مالی بر پوشش و ویژگی پیش‌بینی تحلیلگران پرداختند. نتایج نشان داد افزایش قابلیت مقایسه اطلاعات حسابداری، موجب افزایش پوشش تحلیلگران و همچنین افزایش دقت پیش‌بینی تحلیلگران می‌شود و پراکندگی پیش‌بینی آنها را کاهش می‌دهد. در پژوهشی دیگر، بارث، لندزمن، لانگ و ویلیامز (۲۰۱۳) به بررسی تأثیر به‌کارگیری اختیاری استانداردهای IFRS بر قابلیت مقایسه و سودمندی بازار سرمایه پرداختند. نتایج پژوهش نشان داد که پس از پذیرش اختیاری این استانداردها، اطلاعات شرکت‌هایی که از IFRS استفاده کردند، قابلیت مقایسه بیشتری با هم داشتند و افزایش قابلیت مقایسه موجب افزایش اطلاعات در سطح خاص شرکت‌ها، افزایش نقدینگی بازار سرمایه و افزایش حجم معاملات سهام شده است. نتایج پژوهش بارث و همکارانش با اعتقاد کمیسیون اوراق بهادار و بورس آمریکا مبنی بر سودمندی قابلیت مقایسه در بازار سرمایه، هم‌راستا است. چن، کولین، کراوت و مرگنتالر (۲۰۱۳)، در پژوهش خود رابطه بین قابلیت مقایسه صورت‌های مالی و کارایی تصمیم‌های خرید سرمایه‌گذاران را بررسی کردند. آنها به این نتیجه رسیدند که هرچه صورت‌های مالی شرکت‌ها قابلیت مقایسه بیشتری داشته باشند، خریداران بازده سهام بالاتری کسب می‌کنند. چوی، چوی، مایر و زیبارت (۲۰۱۴)، به بررسی ارتباط بین قابلیت مقایسه صورت‌های مالی و آگاهی‌بخشی قیمت سهام در خصوص سودهای آتی پرداختند. یافته‌های پژوهش آنها نشان داد آگاهی‌بخشی قیمت سهام در شرکت‌هایی که قابلیت مقایسه بیشتری با شرکت‌های هم صنعت خود دارند، بیشتر است. وانگ (۲۰۱۴) نیز در پژوهش خود به بررسی هماهنگ‌سازی استانداردهای حسابداری و قابلیت مقایسه صورت‌های مالی پرداخت. وانگ با در نظر گرفتن ویژگی قابلیت مقایسه بین دو شرکت، به بررسی تأثیر اطلاعات سود شرکت بر قیمت سهام شرکت دیگر پرداخت. یافته‌های وی نشان داد هماهنگ‌سازی استانداردهای حسابداری موجب افزایش قابلیت مقایسه می‌شود. همچنین در خصوص آن دسته از شرکت‌هایی که قابلیت

مقایسه بیشتری با هم دارند، واکنش قیمت سهام آنها به اطلاعات سود یکدیگر، بیشتر است. مرگنتالر، چن، کولین و کراوت (۲۰۱۴) در پژوهشی به بررسی قابلیت مقایسه صورت‌های مالی و کارایی تصمیم‌گیری در خصوص فرایند تحصیل شرکت پرداختند و نتیجه گرفتند در فرایند خرید سهام یک شرکت، هرچه صورت‌های مالی شرکت تحصیل‌شونده با صورت‌های مالی صنعت خود قابلیت مقایسه بیشتری داشته باشد، شرکت تحصیل‌کننده تصمیمات بهتری درخصوص فرایند تحصیل اخذ می‌کند. به بیانی، قابلیت مقایسه صورت‌های مالی موجب می‌شود فرایند تخصیص منابع مالی کاراتر باشد.

فروغی و قاسم‌زاد (۱۳۹۴) تأثیر قابلیت مقایسه صورت‌های مالی را بر ضریب واکنش سودهای آتی بررسی کردند و به این نتیجه دست یافتند که قابلیت مقایسه صورت‌های مالی، ضریب واکنش سودهای آتی را افزایش می‌دهد. نتیجه دیگر این بود که ویژگی قابلیت مقایسه سبب می‌شود میزان بیشتری از اطلاعات خاص شرکت در قیمت‌های جاری سهام منعکس شود. رهنمای رودپشتی، وکیلی‌فرد و لک (۱۳۹۴) به بررسی سبک حسابرس و قابلیت مقایسه صورت‌های مالی پرداختند. یافته‌های پژوهش نشان داد صاحبکاران سایر مؤسسه‌های حسابرسی عضو جامعه حسابداران رسمی در سال و صنعت مشابه، از شباهت‌های بیشتری در ساختار سود و اقلام تعهدی در مقایسه با صاحبکاران سازمان حسابرسی برخوردارند. همچنین صاحبکاران یک مؤسسه حسابرسی (بجز سازمان حسابرسی)، از نظر ساختار سود و اقلام تعهدی در مقایسه با غیر صاحبکاران آن مؤسسه حسابرسی، شباهت‌های بیشتری با یکدیگر دارند. در نهایت یافته‌های پژوهش نشان داد سبک حسابرس بر قابلیت مقایسه صورت‌های مالی مؤثر بوده و برای دستیابی به قابلیت مقایسه، علاوه بر نیاز به وجود استانداردهای حسابداری یکنواخت، حسابرسان نیز نقش با اهمیتی دارند. نبات دوست و محمدزاده (۱۳۹۵) به بررسی تأثیر کیفیت حسابرسی بر قابلیت مقایسه صورت‌های مالی در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس تهران پرداختند و نتیجه گرفتند که بین کیفیت حسابرسی و قابلیت مقایسه صورت‌های مالی رابطه معناداری وجود دارد. مهرورز و مرفوع (۱۳۹۵) رابطه بین قابلیت مقایسه صورت‌های مالی را با آگاهی‌بخشی قیمت سهام در خصوص سودهای آتی بررسی کردند. بر اساس یافته‌های پژوهش، بین قابلیت مقایسه صورت‌های مالی و آگاهی‌بخشی قیمت سهام، رابطه مثبتی وجود ندارد و قابلیت مقایسه صورت‌های مالی به انعکاس اطلاعات سودهای آتی مربوط به صنعت و انعکاس اطلاعات سودهای آتی خاص شرکت در قیمت سهام دوره جاری کمک نمی‌کند. فروغی و قاسم‌زاد (۱۳۹۵) تأثیر قابلیت مقایسه صورت‌های مالی را بر همزمانی قیمت سهام بررسی کردند. همزمانی قیمت سهام معیاری است که به‌طور معکوس برای سنجش محتوای اطلاعاتی قیمت سهام استفاده می‌شود. یافته‌های پژوهش نشان داد قابلیت مقایسه صورت‌های مالی بر همزمانی

قیمت سهام تأثیر منفی و معنادار می‌گذارد. همچنین، شرکت‌هایی که همزمانی کمتری دارند، عدم تقارن اطلاعاتی کمتری نیز دارند. از این رو، قابلیت مقایسه صورت‌های مالی موجب می‌شود که میزان بیشتری از اطلاعات خاص شرکت در قیمت‌های سهم منعکس شود.

مدیریت سود

روی چودهری (۲۰۰۶) در پژوهشی نشان داد مدیران به‌منظور خودداری از گزارش زیان، از فعالیت‌های مدیریت سود واقعی استفاده می‌کنند. بر اساس یافته‌های وی، شرکت‌ها از تخفیفات فروش به‌منظور افزایش موقتی فروش، از افزایش تولید به‌منظور کاهش بهای تمام شده کالای فروش رفته و از کاهش هزینه‌های اختیاری به‌منظور افزایش حاشیه سود، استفاده می‌کنند. یافته‌های وی نشان داد اثر منفی مدیریت سود واقعی بر عملکرد شرکت که از طریق دستکاری فعالیت‌های واقعی صورت می‌گیرد، موجب کاهش ارزش شرکت می‌شود؛ زیرا اقدامات این دوره که در راستای افزایش سود صورت گرفته است، بر جریان‌های نقدی دوره‌های آتی اثر منفی می‌گذارد. کوهن، دی و لیز (۲۰۰۸) در پژوهشی میزان مدیریت سود از طریق ارقام تعهدی و فعالیت‌های واقعی را در دوره قبل و بعد از قانون ساربینز اکسلی بررسی کردند. یافته‌های این پژوهش نشان داد از سال ۱۹۸۷ تا ۲۰۰۳ مدیریت سود از طریق ارقام تعهدی افزایش یافته، اما پس از تصویب قانون ساربینز اکسلی، این روند کاهشی بوده است. در مقابل مدیریت سود از طریق فعالیت‌های واقعی، بعد از تصویب قانون یاد شده، به‌طور چشمگیری افزایش یافته است. ماتسورا (۲۰۰۸)، در پژوهشی به بررسی رابطه بین مدیریت سود واقعی و مدیریت سود حسابداری با توجه به هموارسازی سود پرداخت. یافته‌های وی نشان داد مدیریت سود واقعی و مدیریت سود حسابداری در راستای هموارسازی سود استفاده می‌شوند و مدیریت سود واقعی و مدیریت سود حسابداری با یکدیگر رابطه مثبتی دارند. یافته‌های بسیاری از پژوهش‌های گذشته مانند پژوهش ایورت و واگن‌هور (۲۰۰۵)، کوهن و همکاران (۲۰۰۸)، کوهن و زارووین (۲۰۱۰) نشان می‌دهد در صورت سخت‌گیرانه بودن قوانین حاکم بر گزارشگری مالی شرکت‌ها، مدیران ترجیح می‌دهند از مدیریت سود بر مبنای ارقام تعهدی کمتر استفاده کنند و در مقابل به استفاده از مدیریت سود با ارقام واقعی روی آورند. لیگیت، پارسون و ریتنگا (۲۰۰۹) با انجام پژوهشی به این نتیجه رسیدند که استفاده از مدیریت سود واقعی با بازده دارایی‌ها و وجه نقد کسب شده از فعالیت‌های عملیاتی دوره آتی، رابطه منفی دارد. سانجایا و ساراگیه (۲۰۱۲) تأثیرگذاری مدیریت سود واقعی بر مدیریت سود تعهدی را بررسی کردند و نشان دادند که مدیریت سود واقعی بر مدیریت سود تعهدی به‌طور مستقیم تأثیرگذار است و هرچه دستکاری فعالیت‌های واقعی بیشتر شود، موجب تأثیر بیشتر بر مدیریت سود تعهدی در پایان دوره می‌شود. ناکاشیما و زیبارت (۲۰۱۵)، در

پژوهشی بررسی کردند که آیا قانون ساربینز آکسلی در ژاپن تأثیری بر مدیریت سود و کیفیت سود داشته است یا خیر. آنها به این نتیجه رسیدند که مدیریت سود تعهدی برای شرکت‌های نمونه، قبل و بعد از قانون ساربینز آکسلی شایان توجه بوده، ولی مدیریت سود واقعی برای شرکت‌های نمونه در دوره بعد از قانون ساربینز آکسلی، کاهش یافته است.

کرمی، داوری نژاد و تحریری (۱۳۹۰) در پژوهشی رابطه بین مدیریت سود واقعی و مدیریت سود حسابداری را در جهت هموارسازی سود بررسی کردند و نشان دادند که هرگاه مدیران متوجه شوند سود گزارش شده آنها کمتر از سطح سود مورد انتظارشان است، سطوح بهینه‌ای را برای هر دو نوع مدیریت سود مشخص می‌کنند و تصمیمات دستکاری فعالیت‌های واقعی و ارقام تعهدی را به‌طور هم‌زمان در نظر می‌گیرند. رحمانی و رامشه (۱۳۹۲) به بررسی رابطه جایگزینی میان مدیریت سود تعهدی و واقعی پرداختند و نشان دادند مدیران بر مبنای هزینه‌های نسبی هر یک از دو روش مدیریت سود تعهدی و واقعی، این دو را براساس رابطه جایگزینی به‌کار می‌برند. مشایخی و عظیمی (۱۳۹۵) در پژوهشی به بررسی تأثیر توانایی‌های مدیریت بر رابطه بین مدیریت سود واقعی و عملکرد آتی شرکت پرداختند. یافته‌های پژوهش نشان داد بین مدیریت سود واقعی و عملکرد آتی شرکت رابطه منفی وجود دارد و توانایی‌های مدیریت این رابطه منفی را کاهش نمی‌دهد. کامیابی، شهبواری و سلمانی (۱۳۹۵) نیز تأثیر مدیریت سود تعهدی را بر رابطه بین مدیریت واقعی سود و هزینه سرمایه بررسی کردند. نتایج پژوهش آنها نشان داد بین تمام معیارهای مدیریت سود واقعی و هزینه سرمایه، رابطه مثبت معناداری وجود دارد. همچنین مدیریت سود واقعی نه تنها به‌صورت مستقیم بر هزینه سرمایه تأثیرگذار است، بلکه به‌طور غیرمستقیم و از طریق مدیریت سود تعهدی نیز بر آن اثر می‌گذارد. به بیان دیگر مدیریت سود واقعی، موجب بالا رفتن مدیریت سود تعهدی شده و مدیریت سود تعهدی نیز موجب افزایش هزینه سرمایه می‌شود. مشایخی و حسین‌پور (۱۳۹۵) رابطه بین مدیریت سود واقعی و مدیریت سود تعهدی را در شرکت‌های مشکوک به تقلب بورس اوراق بهادار تهران بررسی کردند. یافته‌های پژوهش نشان داد مدیریت سود واقعی بر مدیریت سود تعهدی در شرکت‌های بورسی مشکوک به تقلب، تأثیر منفی و معناداری دارد.

با توجه به اهداف پژوهش، فرضیه‌های این پژوهش به شرح زیر مطرح می‌شوند:

۱. هرچه میزان مدیریت سود با استفاده از ارقام تعهدی در یک شرکت کمتر باشد، سیستم حسابداری آن شرکت ارقامی تولید می‌کند که قابلیت مقایسه بیشتری با ارقام حسابداری سایر شرکت‌ها دارد.

۲. هرچه میزان مدیریت سود با استفاده از اقلام واقعی در یک شرکت بیشتر باشد، سیستم حسابداری آن شرکت ارقامی تولید می کند که قابلیت مقایسه بیشتری با ارقام حسابداری سایر شرکتها دارند.

روش شناسی پژوهش

تجزیه و تحلیل داده های پژوهش، با استفاده از نرم افزارهای Excel، SPSS و STATA صورت گرفته است. جامعه آماری این پژوهش از نظر مکانی به شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران محدود می شود. شرکت هایی که دارای شرایط زیر نبودند، از نمونه آماری کنار گذاشته شدند:

۱. تا ابتدای سال ۱۳۸۱ در بورس اوراق بهادار تهران پذیرفته شده باشند،
 ۲. سال مالی آنها منتهی به ۲۹ اسفند بوده و در دوره مورد مطالعه، سال مالی خود را تغییر نداده باشند،
 ۳. جزء بانکها، مؤسسه های مالی، شرکت های سرمایه گذاری، هلدینگها، لیزینگ و بیمه نباشند،
 ۴. اطلاعات مورد نیاز شرکتها در قلمرو زمانی یاد شده در دسترس باشد.
- از آنجا که متغیرهای مستقل و وابسته پژوهش در سطح صنعت تعریف و محاسبه شدند، تنها صنایعی در نظر گرفته شدند که حداقل اطلاعات ۷ شرکت از آنها با توجه به معیارهای پژوهش در دسترس باشد. به این ترتیب اطلاعات ۷۲ شرکت در شش صنعت تحت بررسی قرار گرفتند. به منظور محاسبه معیارهای تجربی قابلیت مقایسه، از اطلاعات شش ماهه و سالانه شرکت هایی استفاده شده است که حساسی شده اند. با توجه به این که برای محاسبه معیارهای قابلیت مقایسه به داده های ۸ نیم سال (دوره جاری و ۳ سال قبل) نیاز بود، در این پژوهش از داده های سال های ۱۳۸۱ تا ۱۳۹۴ استفاده شده است. قلمروی زمانی پژوهش، فاصله سال های ۱۳۸۴ تا ۱۳۹۴ است.

متغیرها و مدل های پژوهش

در ادامه، مدل های قابلیت مقایسه حسابداری، مدل مدیریت سود تعهدی، مدل مدیریت سود نقدی و مدل آزمون فرضیه های پژوهش و متغیرهای آنها شرح داده می شوند.

مدل قابلیت مقایسه حسابداری

در این پژوهش به منظور تخمین میزان و سطح قابلیت مقایسه حسابداری شرکت - سال‌ها، از رویکرد تجربی دی‌فرانکو و همکارانش (۲۰۱۱) استفاده شده است. پیش از پژوهش آنها، در بیشتر پژوهش‌ها، قابلیت مقایسه حسابداری با استفاده از ورودی‌های سیستم حسابداری مانند استانداردها یا روش‌های حسابداری، سنجیده می‌شد. سنجش قابلیت مقایسه سیستم حسابداری با استفاده از ورودی‌های آن، چالش‌هایی را به همراه دارد؛ زیرا باید تصمیم‌گیری شود که کدام یک از انتخاب‌های حسابداری را باید مد نظر قرار داد، چگونه به آنها وزن داد و در نهایت، چگونه تفاوت‌های پیاده‌سازی روش‌ها را در محاسبات وارد کرد. از این رو، با توجه به دلایل گفته شده، در بیشتر پژوهش‌ها، بررسی نمونه بزرگی از شرکت‌ها، دشوار بود. برخلاف پژوهش‌های گذشته، دی‌فرانکو و همکارانش به منظور بررسی میزان قابلیت مقایسه حسابداری شرکت‌ها، از خروجی‌های سیستم حسابداری استفاده کردند. اگر سیستم‌های حسابداری دو شرکت با یکدیگر مشابه باشند، باید خروجی آنها نیز برای رویدادهای اقتصادی یکسان، مشابه باشد. از این رو دی‌فرانکو و همکارانش بازده سهام و سود^۱ را به ترتیب، به عنوان معیارهای خلاصه‌شده‌ای از رویدادهای اقتصادی و خروجی حسابداری در نظر گرفتند.

بر اساس آنچه بیان شد، به منظور تشریح ویژگی‌های سیستم حسابداری یک شرکت، رگرسیون زیر برای هر شرکت - سال با استفاده از داده‌های سری زمانی شش ماهه، برای دوره چهارساله اخیر منتهی به پایان سال t ، برآورد می‌شود تا ضرایب α و β برای آن شرکت محاسبه شود. در رابطه^۲ زیر، منظور از سود، سود خالص شش ماهه است که با توجه به ارزش بازار سرمایه در پایان دوره، مقیاس‌زدایی شده است. منظور از بازدهی، بازدهی طی نیم‌سال است.

$$Earnings_{it} = \alpha_{it} + \beta_i Return_{it} + \varepsilon_{it} \quad \text{رابطه ۱}$$

در گام اول، برای هر سال - شرکت با استفاده از رابطه^۱ و داده‌های ۸ نیم‌سال (نیم‌سال فعلی و ۷ نیم‌سال قبل)، ضرایب α و β برآورد شدند. ضرایب α و β هر شرکت در هر سال، نشان‌دهنده ویژگی سیستم حسابداری آن شرکت در آن سال است. در گام بعدی، ضرایب α و β در رابطه^۲ قرار گرفتند و سود مورد انتظار شرکت t برای آن سال، برآورد شد. اگر فرض بر مشابه بودن سیستم حسابداری دو شرکت t و z باشد، باید تخمین سود مورد انتظار شرکت t با استفاده از ضرایب α و β شرکت z نیز خروجی (عدد) مشابهی را نشان دهد (رابطه‌های ۲ و ۳).

1. Earnings

$$E(Earnings)_{iit} = \hat{\alpha}_i + \hat{\beta}_i Return_{it} \quad \text{رابطه ۲}$$

$$E(Earnings)_{ijt} = \hat{\alpha}_j + \hat{\beta}_j Return_{it} \quad \text{رابطه ۳}$$

هرچه سیستم‌های حسابداری دو شرکت با یکدیگر قابلیت مقایسه بیشتری داشته باشند، تفاوت کمتری بین دو سود مورد انتظار مشاهده خواهد شد. با توجه به مطالب گفته شده، قابلیت مقایسه حسابداری بین شرکت‌های i و j به شرح زیر تعریف خواهد شد.

$$CompAcct_{ijt} = -1/8 \times \sum_{t-7}^t |E(Earnings)_{iit} - E(Earnings)_{ijt}| \quad \text{رابطه ۴}$$

قابلیت مقایسه حسابداری برای تمام زوج شرکت‌های i - j موجود در نمونه هر صنعت، برای سال‌های مورد بررسی، محاسبه شد؛ به این معنا که با توجه به رابطه ۴، سود مورد انتظار شرکت i براساس معادله این شرکت و معادله شرکت j که هم صنعت آن است (و در نمونه آماری پژوهش موجود است)، برآورد شد و اختلاف سودهای انتظاری به دست آمد. باید اختلاف سود مورد انتظار هر شرکت را با تمام شرکت‌های هم صنعت خود که در نمونه آماری موجود هستند، برای هر سال - شرکت محاسبه کرد و اختلاف سودهای مورد انتظار را به دست آورد. بعد از مرتب کردن نزولی تمام ترکیب‌های به دست آمده برای هر شرکت i ، متغیر $M4_CompAcct_{it}$ از طریق میانگین‌گیری از ۴ عدد بزرگ‌تر $CompAcct_{ijt}$ محاسبه می‌شود. به این ترتیب سطح قابلیت مقایسه حسابداری هر شرکت - سال، به دست می‌آید.

مدل مدیریت سود تعهدی

در این پژوهش از بخش غیرعادی ارقام تعهدی، به عنوان معیاری از رفتارهای فرصت‌طلبانه مدیران برای مدیریت سود با استفاده از ارقام واقعی استفاده شده است. به منظور تفکیک بخش عادی (منتظره) ارقام تعهدی از بخش غیرعادی (غیرمنتظره) آن، از مدل جونز تعدیل شده (دی‌چو و همکاران، ۱۹۹۵) استفاده شد.

$$\frac{TAC_{it}}{A_{it-1}} = \beta_1 [1/A_{it-1}] + \beta_2 [\Delta Sales_{it}/A_{it-1}] + \beta_3 [PPE_{it}/A_{it-1}] + ROA_{it} + \varepsilon_{it} \quad \text{رابطه ۵}$$

در رابطه ۵، TAC معرف کل ارقام تعهدی؛ A کل دارایی‌ها؛ $\Delta Sales$ تغییرات خالص ارزش فروش؛ PPE اموال، ماشین‌آلات و تجهیزات و ROA نشان‌دهنده بازده دارایی‌ها طی سال است. به منظور تخمین عملکرد تعدیل شده با توجه به ارقام تعهدی اختیاری، بازده دارایی‌ها در رابطه

گنجانده شده است (کوتاری، لئون، واسلی، ۲۰۰۵). با استفاده از رابطه ۶ ارقام تعهدی غیراختیاری (NTAC) محاسبه شدند:

$$NTAC_{it} = \beta_1 [1/A_{it-1}] + \beta_2 [(\Delta Sales_{it} - \Delta REC_{it})/A_{it-1}] + \beta_3 [PPE_{it}/A_{it-1}] + \beta_4 ROA_{it} \quad \text{رابطه ۶}$$

که در آن، ΔREC_{it} تغییرات خالص دریافتنی‌ها را نشان می‌دهد. در نهایت، ارقام تعهدی غیر اختیاری از کل ارقام تعهدی - که با توجه به دارایی‌های سال قبل بی‌مقیاس شدند - کسر شده و ارقام تعهدی اختیاری (DAC) محاسبه شدند. ارقام تعهدی اختیاری، اصلی‌ترین شاخص سنجش مدیریت سود با استفاده از ارقام واقعی است.

مدل مدیریت سود واقعی

روی چودهری (۲۰۰۶) سه روش را برای دستکاری سود واقعی و اثر آنها بر سطح غیرعادی عملیات واحد تجاری معرفی کرد: ۱. دستکاری فروش، ۲. کاهش هزینه‌های اختیاری و ۳. تولید بیش از حد یا افزایش تولید برای کاهش بهای تمام شده کالای فروش رفته. بنابراین مدیریت سود واقعی برابر است با حاصل جمع اندازه‌گیری سطح جریان نقد عملیاتی غیرعادی، هزینه‌های تولید غیرعادی و هزینه‌های اختیاری غیرعادی در سال انجام مدیریت سود. با استفاده از رابطه ۷ جریان نقد عملیاتی واقعی به بخش‌های عادی (مورد انتظار) و غیرعادی (غیرمنتظره) تفکیک شدند:

$$\frac{CFO_{it}}{A_{i,t-1}} = \frac{a_1 1}{A_{i,t-1}} + \frac{a_2 Sales_{it}}{A_{i,t-1}} + \frac{a_3 \Delta Sales_{it}}{A_{i,t-1}} + \varepsilon_{it} \quad \text{رابطه ۷}$$

در این رابطه، CFO جریان نقد عملیاتی شرکت i در پایان سال t را نشان می‌دهد. استراتژی‌های افزایش درآمد از طریق تولید بیش از حد و کاهش هزینه‌های اختیاری مانند هزینه‌های تحقیق و توسعه و هزینه‌های بازاریابی، به مشاهده غیرعادی افزایش مخارج تولید و کاهش غیرعادی هزینه‌های اختیاری با توجه به فروش منجر می‌شود. به‌منظور تجزیه مخارج واقعی تولید و هزینه‌های اختیاری، به بخش نرمال (منتظره) و غیر نرمال (غیرمنتظره)، از رابطه‌های ۸ و ۹ استفاده شده است:

$$\frac{Prod_{it}}{A_{i,t-1}} = \frac{a_1}{A_{i,t-1}} + \frac{a_2 Sales_{it}}{A_{i,t-1}} + \frac{a_3 \Delta Sales_{it}}{A_{i,t-1}} + \frac{a_4 \Delta Sales_{i,t-1}}{A_{i,t-1}} + \varepsilon_{it} \quad \text{رابطه ۸}$$

$$\frac{DiscE_{it}}{A_{i,t-1}} = \frac{a_1}{A_{i,t-1}} + \frac{a_2 Sales_{i,t-1}}{A_{i,t-1}} + \varepsilon_{it} \quad \text{رابطه ۹}$$

در این رابطه‌ها، *Prod* نشان‌دهنده هزینه‌های تولید است که از حاصل جمع بهای تمام شده کالای فروش رفته و تغییر در موجودی کالا به دست می‌آید. *DisCE* معرف هزینه‌های اختیاری یا همان هزینه‌های اداری، عمومی و فروش است. جریان نقد عملیاتی غیرعادی (*AbCFO*)، تولید غیرعادی (*AbProd*) و هزینه‌های اختیاری غیرعادی (*AbDisCE*) از طریق تفاوت بین ارزش‌های واقعی متغیر مد نظر که با توجه به دارایی‌های دوره قبل بی‌مقیاس شده است و سطح نرمال آنها، به دست آمدند. این سه متغیر، شاخص‌های اصلی مدیریت سود واقعی هستند که در تحلیل‌های این پژوهش استفاده شده‌اند. ممکن است شرکتی از تمام یا تعدادی از این سه استراتژی بیان شده استفاده کند تا درآمد دوره خود را افزایش دهد. به منظور سنجش مدیریت سود واقعی از رابطه ۱۰ استفاده خواهد شد که در آن *AbREM* معرف مدیریت سود واقعی (یا همان *REM*) و نشان‌دهنده معیار اصلی مدیریت سود واقعی است.

$$AbREM = (-1)AbCFO + AbProd + (-1)AbDisc \quad \text{رابطه ۱۰}$$

مدل آزمون فرضیه‌های پژوهش

به منظور آزمون فرضیه‌های ۱ و ۲ پژوهش، از رگرسیون زیر استفاده شده است (سون، ۲۰۱۶):

$$EM_{it} = a_0 + a_1M4 - CompAcct_{it} + a_2Size_{it} + a_3BM_{it} + a_4ROA_{it} + a_5LEV_{it} + a_6BIG4_{it} + a_7CFOA_{it} + a_8StdSales_{it} + a_9Loss_{it} + a_{10}RET_{it} + a_{11}INST_{it} + a_{12}OWN_{it} + \sum_i a_i IND_i + \sum_t a_t YEAR_t + \varepsilon_{it} \quad \text{رابطه ۱۱}$$

در این رابطه، *EM* نشان‌دهنده مدیریت سود (واقعی یا تعهدی) است. برآورد مقادیر مربوط به هر دو روش مدیریت سود واقعی و تعهدی، به صورت مقطعی و به تفکیک صنایع در هر سال، انجام شده است. به منظور بررسی اثر قابلیت مقایسه حسابداری بر مدیریت سود و حذف آثار سایر متغیرهای مرتبط بر آن، مطابق با پژوهش سون (۲۰۱۶) از متغیرهای کنترلی زیر استفاده شد: در رابطه ۱۱، *Size* بیان‌کننده لگاریتم طبیعی ارزش بازار حقوق صاحبان سهام و *BM* نسبت ارزش دفتری به بازار برای سهام عادی است. *ROA* تقسیم سود بر جمع دارایی‌های دوره قبل؛ *LEV* اهرم (تقسیم کل بدهی‌ها بر کل دارایی‌ها)؛ *Big4* متغیر ساختگی حساب‌رسان بزرگ (برای شرکت‌هایی که توسط مؤسسه‌های بزرگ حساب‌رسی می‌شوند، ۱ در نظر گرفته می‌شود) است.

همچنین *CFOA* جریان نقد عملیاتی تقسیم بر جمع دارایی‌های یک دوره قبل؛ *stdsale* انحراف استاندارد فروش تقسیم بر جمع کل دارایی‌ها برای پنج سال گذشته؛ *Loss* متغیر ساختگی زیان (اگر شرکت در طول سال زیان گزارش کرده باشد برابر با ۱ است)؛ *RET* بازده سالانه برای سال جاری؛ *INST* نسبت مالکیت نهادی شرکت (نسبت تعداد سهام عادی در دست سهامداران نهادی به کل سهام عادی در دست سهامداران)؛ *OWN* نسبت مالکیت مدیران شرکت (نسبت تعداد سهام عادی در دست مدیران شرکت به کل سهام عادی در دست سهامداران)؛ *IND* متغیر ساختگی صنعت و *YEAR* متغیر ساختگی سال است.

براساس ادبیات پژوهش‌های گذشته، نسبت ارزش دفتری به ارزش بازار، نسبت اهرمی و درصد سهام مدیریتی با مدیریت سود تعهدی رابطه مثبت دارند و نوسان فروش با مدیریت سود تعهدی، رابطه منفی برقرار می‌کند (فرانکل، جانسون و نلسون، ۲۰۰۲؛ آشباغ، لافاند، و مای هی، ۲۰۰۳ و هاو، هو، هاوانگ، وو، ۲۰۰۴). همچنین اقلام تعهدی اختیاری با بازده دارایی‌ها رابطه مثبت و با جریان نقد رابطه منفی دارد (کازنیک، ۱۹۹۹؛ کوتاری، لئون، واسلی، ۲۰۰۵ و دچو، کوتاری، واتس، ۱۹۹۸). بین مدیریت سود واقعی با اندازه شرکت و زیان آن، رابطه منفی گزارش شده است. همچنین، هرچه روش‌های نظارتی بر یک شرکت قوی‌تر باشد، برای مثال از خدمات مؤسسه‌های حسابرسی بزرگ استفاده شود یا سهامدار نهادی وجود داشته باشد، انتظار می‌رود که مدیریت سود واقعی نیز کاهش پیدا کند (سون، ۲۰۱۶).

سه متغیر اقلام تعهدی اختیاری (*DAC*)، مدیریت سود واقعی (*AbREM*) و سطح قابلیت مقایسه حسابداری شرکت (*M4 - CompAcct*)، نشان‌دهنده قابلیت مقایسه حسابداری یک شرکت با شرکت‌های دیگر در یک صنعت است. به‌منظور محصور کردن اثر افزایش قابلیت مقایسه حسابداری در مدیریت سود شرکت از طریق اثر سایر متغیرها، متغیرهای کنترلی رایج در مطالعات گذشته، به مدل اضافه شده است.

یافته‌های پژوهش

آمار توصیفی

پس از جمع‌آوری داده‌ها و محاسبه متغیرهای پژوهش، پارامترهای توصیفی هر متغیر به‌صورت جداگانه محاسبه شدند که در جدول ۱ نشان داده شده است. با توجه به این که میانگین و میانه متغیرها، به‌خصوص متغیر وابسته، نزدیک به هم هستند و دارای انحراف معیار بوده و تغییرپذیرند، می‌توان از آنها در مدل رگرسیونی استفاده کرد. به‌منظور رفع ناهمسانی واریانس و خودهمبستگی، در این پژوهش از رگرسیون پرایس وینستون استفاده شده است.

جدول ۱. آمار توصیفی متغیرهای پژوهش

شاخص‌های شکل توزیع	شاخص‌های پراکندگی				شاخص‌های مرکزی		عنوان متغیر	نام متغیر
	چولگی	کشیدگی	حداقل	حداکثر	انحراف معیار	میانگین		
-۶/۴۵۲	۴۹/۷۱۶	-۰/۸۴	۰	۰/۰۸۴	-۰/۰۲۸	-۰/۰۴۹	M4_CompAcct	سطح قابلیت مقایسه
-۰/۰۰۳	۲/۸۸۳	-۰/۶۵	۰/۹۳	۰/۱۵۶	۰/۰۰	-۰/۰۰۲۸	DAC	اقدام تعهدی اختیاری
۱/۹۷۵	۷/۹۸۵	-۱/۱۶	۵/۳۳	۰/۵۶۷	۰/۴۹۹۴	۰/۵۹۴۳	REM	مدیریت سود واقعی
-۰/۱۹۷	۰/۰۱	۹/۵۷	۱۷/۸۱	۱/۴	۱۳/۴۳	۱۳/۴۲	Size	اندازه شرکت
-۱/۴۰۹	۲۷/۷۳۳	-۵/۵۶	۲/۴	۰/۵۱	۰/۴۳۶۳	۰/۵۵۲۸	BM	ارزش دفتری به بازار
۱/۲۸۵	۴/۲۳۱	-۰/۵۲	۱/۲۲	۰/۱۸	-۰/۱۳۱	۰/۱۵۲	ROA	سود به دارایی دوره قبل
-۰/۴۴۶	-۰/۰۱۲	۰	۰/۹۵	۰/۱۷	۰/۶۳۷	۰/۶۲۱۱	LEV	اهرم
-۰/۴۵۲	-۱/۸	۰	۱	۰/۴۹	۱	۰/۶۱	Audit Quality	کیفیت حسابرسی
-۰/۷۶۶	۲/۰۶۲	-۰/۵۳	۰/۷۸	۰/۱۶۸۱	۰/۱۱۸۷	۰/۱۴۴۴	CFOA	جریان نقد به دارایی دوره قبل
۱/۸۴	۸/۱۴	۰/۰۶۹	۱/۵۲	۰/۲۵	-۰/۳۲۸	۰/۳۸۹۷	StdSales	انحراف استاندارد فروش
۲/۵۴۲	۴/۴۷۴	۰	۱	۰/۳۱	۰/۰۰	۰/۱۰۷۳	Loss	زیان
۳/۷۷۱	۲۱/۹۵۶	-۱	۸/۱	-۰/۸۹۱۱۸	۰/۰۶۲۲	۰/۲۸۲۳	RET	بازدهی سالانه
-۰/۱۲۸	-۱/۵۳۷	۰	۰/۹۹	۰/۳۴۲۷	۰/۴	۰/۴۴۷۶	INST	سهامدار نهادی
-۱/۳۰۳	۲/۸۹۲	۰	۰/۹۹	۰/۱۵۵	۰/۷۸۲۷	۰/۷۵۷۲	OWN	سهامدار مدیریتی

آزمون فرضیه اول

فرضیه اول پژوهش بیان می‌کند که در صورت ثابت بودن سایر شرایط، هرچه میزان مدیریت سود با استفاده از اقدام تعهدی در یک شرکت کمتر باشد، سیستم حسابداری آن شرکت ارقامی تولید می‌کند که قابلیت مقایسه بیشتری با ارقام حسابداری سایر شرکت‌ها دارد. با توجه به نتایج برآورد مدل پژوهش و نیز سطح معناداری بیش از ۵ درصد متغیر قابلیت مقایسه ($M4_CompAcct$)، می‌توان نتیجه گرفت که بین قابلیت مقایسه ارقام حسابداری شرکت‌ها و مدیریت سود تعهدی آنها رابطه معناداری وجود ندارد.

جدول ۲. نتایج آزمون فرضیه اول پژوهش

نام متغیر	نماد	ضریب	خطای استاندارد	آماره Z	سطح معناداری
سطح قابلیت مقایسه	M4_CompAcct	-۰/۰۲	۰/۰۲۲	-۰/۹	۰/۳۶۷
اندازه شرکت	Size	-۰/۰۰۰۸۸	۰/۰۰۲۷	-۰/۳۳	۰/۷۳۸
ارزش دفتری به بازار	BM	-۰/۰۲۵	۰/۰۰۷۶	-۳/۲۶	۰/۰۰۱
سود به دارایی دوره قبل	ROA	۰/۲۷	۰/۰۳۵	۷/۶۹	۰/۰۰۰
اهرم	LEV	-۰/۰۳۴	۰/۰۱۸	-۱/۸۹	۰/۰۵۹
کیفیت حسابرسی	Big4	۰/۰۰۱۷	۰/۰۰۵۶	۰/۳	۰/۷۶
جریان نقد به دارایی دوره قبل	CFOA	-۰/۵۵۹	۰/۰۳۶	-۱۵/۳۱	۰/۰۰۰
انحراف استاندارد فروش	StdSales	-۰/۰۲۳	۰/۰۰۹۷	-۲/۳۹	۰/۰۱۷
زیان	Loss	-۰/۰۰۸	۰/۰۱۱	۰/۷۲	۰/۴۷
بازدهی سالانه	RET	-۰/۰۰۲۷	۰/۰۰۴	-۰/۶۱	۰/۵۴۴
سهامدار نهادی	INST	۰/۰۲۲	۰/۰۰۹۳	۲/۳۹	۰/۰۱۷
سهامدار مدیریتی	OWN	۰/۰۳۳	۰/۰۱۸	۱/۸۱	۰/۰۷
IND		اثر ثابت صنعت کنترل شده است.			
YEAR		اثر ثابت سال کنترل شده است.			

با توجه به یافته‌های پژوهش که در جدول ۲ ارائه شده است، ضرایب برآورد شده متغیرهای سود به دارایی دوره قبل (ROA)، انحراف استاندارد فروش ($StdSale$) و سهامدار نهادی ($INST$)، به ترتیب $۰/۲۷$ ، $۰/۰۲۳$ و $۰/۲۲$ به دست آمده و سطح معناداری این متغیرها، کمتر از ۵ درصد است. از این رو می‌توان نتیجه گرفت که بین این متغیرها و مدیریت سود تعهدی شرکت‌ها، رابطه مثبت و معناداری وجود دارد. همچنین بین ارزش دفتری به بازار (BM)، جریان نقد به دارایی دوره قبل ($CFOA$) با مدیریت سود تعهدی نیز رابطه منفی و معناداری وجود دارد.

آزمون فرضیه دوم

فرضیه دوم پژوهش بیان می‌کند که در صورت ثابت بودن سایر شرایط، هرچه میزان مدیریت سود با استفاده از اقلام واقعی در شرکت بیشتر باشد، سیستم حسابداری آن شرکت ارقامی را تولید می‌کند که قابلیت مقایسه بیشتری با ارقام حسابداری سایر شرکت‌ها دارد. با توجه به نتایج برآورد مدل پژوهش، سطح معناداری برآورد شده متغیر قابلیت مقایسه ($M4_CompAcct$)

۰/۲۵ به دست آمده که بیشتر از ۵ درصد است و نشان می‌دهد بین قابلیت مقایسه ارقام حسابداری شرکت‌ها و مدیریت سود واقعی آنها رابطه معناداری وجود ندارد. با توجه به نتایج پژوهش که در جدول ۳ ارائه شده است، ضریب متغیر جریان نقد به دارایی‌های دوره قبل، ۰/۷۱- به دست آمده و سطح معناداری آن، کمتر از ۰/۰۵ است، به این ترتیب بین متغیر یاد شده و مدیریت سود واقعی در نمونه مورد بررسی، رابطه منفی و معناداری وجود دارد. همچنین با توجه به این که ضریب متغیر زیان (LOSS) ۰/۰۸ به دست آمده و سطح معناداری آن کمتر از ۰/۰۵ است، بین متغیر یاد شده و مدیریت سود واقعی، رابطه مثبت و معناداری برقرار است.

جدول ۳. نتایج آزمون فرضیه اول پژوهش

نام متغیر	نماد	ضریب	خطای استاندارد	آماره Z	سطح معناداری	
سطح قابلیت مقایسه	M4_CompAcct	۰/۱۱	۰/۰۹۵	۱/۱۶	۰/۲۵	
اندازه شرکت	Size	-۰/۰۰۷	۰/۰۰۶۶	-۱/۰۹	۰/۲۸	
ارزش دفتری به بازار	BM	۰/۰۳۳	۰/۰۲۲	۱/۴۳	۰/۱۵	
سود به دارایی دوره قبل	ROA	۰/۰۱۱	۰/۰۶۷	۰/۱۷	۰/۸۶	
اهرم	LEV	-۰/۰۳	۰/۰۵۶	-۰/۵۷	۰/۵۷	
کیفیت حسابرسی	Big4	۰/۰۰۶۶	۰/۰۱۳	۰/۵۱	۰/۶۱	
جریان نقد به دارایی دوره قبل	CFOA	-۰/۷۱	۰/۰۵	-۱۴/۱۷	۰/۰۰	
انحراف استاندارد فروش	StdSales	-۰/۰۰۵	۰/۰۲۴	-۰/۲۱	۰/۸۳	
زیان	Loss	۰/۰۸	۰/۰۲۸	۲/۹۴	۰/۰۰۳	
بازدهی سالانه	RET	-۰/۰۰۵۹	۰/۰۰۹۶	-۰/۶۱	۰/۵۴	
سهامدار نهادی	INST	۰/۰۱۷	۰/۰۲۲	۰/۸	۰/۴۲	
سهامدار مدیریتی	OWN	-۰/۰۶۳	۰/۰۵	-۱/۲۸	۰/۲۰	
IND		اثر ثابت صنعت کنترل شده است.				
YEAR		اثر ثابت سال کنترل شده است.				

نتیجه‌گیری و پیشنهادها

در پژوهش حاضر رابطه بین قابلیت مقایسه حسابداری و انتخاب روش‌های مدیریت سود (تعهدی و واقعی) بررسی شده است. قابلیت مقایسه، یکی از ویژگی‌های مهم اطلاعات حسابداری گزارش

شده است. مدیریت سود تعهدی یکی از عوامل بالقوه‌ای است که می‌تواند موجب کاهش قابلیت مقایسه ارقام حسابداری شرکت‌ها شود. به‌طور کلی مدیریت سود از دو راه امکان‌پذیر است: مدیریت فعالیت‌های واقعی و مدیریت ارقام تعهدی. در مدیریت سود از طریق دستکاری ارقام تعهدی اختیاری، مدیران باید رویه‌های حسابداری متفاوتی انتخاب کنند که در ظاهر، قابلیت مقایسه ارقام حسابداری را مخدوش می‌کند، اما چنانچه مدیران از روش مدیریت سود بر مبنای ارقام واقعی استفاده کنند، در حقیقت مدیریت سود انجام داده‌اند، بدون این که نیازی به تغییر روش حسابداری داشته باشند. به این ترتیب، انتظار می‌رود در شرایطی که مدیران به دنبال حفظ منافع حاصل از ویژگی قابلیت مقایسه اطلاعات حسابداری برای شرکت خود هستند، کمتر از مدیریت سود بر مبنای ارقام تعهدی اختیاری استفاده کنند و به‌عنوان رویکرد جایگزین، بیشتر به سمت استفاده از مدیریت سود بر مبنای ارقام واقعی گرایش پیدا کنند.

در بسیاری از پژوهش‌های گذشته ویژگی قابلیت مقایسه با توجه به ورودی‌های نظام حسابداری مانند استانداردهای حسابداری، رویه‌های حسابداری و غیره سنجیده شده است، برای مثال می‌توان به پژوهش‌های بارث و همکاران (۲۰۰۸)، لانگ و همکاران (۲۰۱۰) و دی‌فاند و همکاران (۲۰۱۱) اشاره کرد. یکی از نکات با اهمیت که در برخی از این پژوهش‌ها مغفول مانده، این است که فقط کاربرد ورودی‌های مشابه، تضمین‌کنندهٔ بالا بودن قابلیت مقایسهٔ ارقام حسابداری تولید شده، نخواهد بود. پردازش‌های متفاوتی که در سیستم حسابداری شرکت‌ها بر ورودی‌های آنها انجام می‌شود، می‌تواند مزیت کاربرد ورودی‌های مشابه را از بین ببرد و خروجی‌های متفاوتی را تولید کند. از این رو، در پژوهش حاضر از مدل دی‌فرانکو و همکارانش (۲۰۱۱) به‌منظور بررسی ویژگی قابلیت مقایسه استفاده شده است. این مدل بر مبنای خروجی‌های نظام حسابداری تدوین شده است و از رابطهٔ سود و بازدهی هر شرکت به‌عنوان معیاری برای تعیین ویژگی قابلیت مقایسهٔ آن استفاده می‌کند.

نتایج آزمون فرضیه‌های پژوهش که در جدول‌های ۲ و ۳ ارائه شده‌اند، نشان می‌دهد بین ویژگی قابلیت مقایسهٔ ارقام حسابداری با مدیریت سود تعهدی و نقدی، رابطهٔ معناداری وجود ندارد. این نتیجه با یافته‌های پژوهش سون (۲۰۱۶) همراستا نیست. از این رو و در راستای بسط موضوع پژوهش، به پژوهشگران آینده توصیه می‌شود تا حوزه‌های زیر را بررسی کنند.

در پژوهش حاضر ویژگی قابلیت مقایسه با توجه به خروجی‌های سیستم حسابداری سنجیده شده است. توصیه می‌شود در پژوهش‌های آتی، ویژگی قابلیت مقایسه با توجه همزمان به ورودی‌ها و خروجی‌های نظام حسابداری شرکت‌ها سنجیده شود. در پژوهش حاضر ویژگی قابلیت مقایسه، به‌عنوان قابلیت مقایسهٔ ارقام حسابداری یک شرکت با سایر شرکت‌های هم

صنعت تعریف شده است. پیشنهاد می‌شود در پژوهش‌های آتی به صورت همزمان قابلیت مقایسه ارقام حسابداری شرکت با اطلاعات همان شرکت در سال‌های گذشته و شرکت‌های هم صنعت بررسی شود.

فهرست منابع

- رحمانی، ع.؛ رامشه، م. (۱۳۹۲). رابطه جایگزینی میان مدیریت سود مبتنی بر اقلام تعهدی و مدیریت فعالیت‌های واقعی. *فصلنامه بررسی‌های حسابداری و حسابرسی*، ۲۰(۴)، ۶۰-۳۹.
- رهنمای رودپشتی، ف.؛ وکیلی فرد، ح. ر.؛ لک، ف. (۱۳۹۴). سبک حسابرس و قابلیت مقایسه صورت‌های مالی. *فصلنامه علمی پژوهشی حسابداری مدیریت*، ۸(۲۵)، ۴۷-۲۹.
- فروغی، د.؛ قاسم‌زاد، پ. (۱۳۹۴). تأثیر قابلیت مقایسه صورت‌های مالی بر ضریب واکنش سودهای آتی. *فصلنامه بررسی‌های حسابداری و حسابرسی*، ۲۲(۴)، ۵۰۰-۴۷۹.
- فروغی، د.؛ قاسم‌زاد، پ. (۱۳۹۵). تأثیر قابلیت مقایسه صورت‌های مالی بر همزمانی قیمت سهام. *پژوهش‌های حسابداری مالی*، ۸(۱)، ۵۴-۳۹.
- کامیابی، ی.؛ شهسواری، م.؛ سلمانی، ر. (۱۳۹۵). بررسی تأثیر مدیریت سود تعهدی بر رابطه بین مدیریت واقعی سود و هزینه سرمایه. *فصلنامه بررسی‌های حسابداری و حسابرسی*، ۲۳(۱)، ۳۸-۱۹.
- کرمی، غ.ر.؛ داوری نژاد مقدم، ا.؛ تحریری، آ. (۱۳۹۰). بررسی رابطه بین مدیریت سود واقعی و مدیریت سود حسابداری به منظور هموارسازی سود در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران. *فصلنامه مطالعات تجربی حسابداری مالی*، ۹(۳۱)، ۷۶-۶۱.
- مشایخی، ب.؛ حسین‌پور، ا.ح. (۱۳۹۵). بررسی رابطه بین مدیریت سود واقعی و مدیریت سود تعهدی در شرکت‌های مشکوک به تقلب بورس اوراق بهادار تهران. *فصلنامه مطالعات تجربی حسابداری مالی*، ۱۲(۴۹)، ۵۲-۲۹.
- مشایخی، ب.؛ عظیمی، ع. (۱۳۹۵). تأثیر توانایی‌های مدیریت بر رابطه بین مدیریت سود واقعی و عملکرد آتی شرکت. *فصلنامه بررسی‌های حسابداری و حسابرسی*، ۲۳(۲)، ۲۶۷-۲۵۳.
- مهرورز، ف.؛ مرفوع، م. (۱۳۹۵). رابطه بین قابلیت مقایسه صورت‌های مالی با آگاهی بخشی قیمت سهام در خصوص سودهای آتی. *فصلنامه مطالعات تجربی حسابداری مالی*، ۱۲(۴۹)، ۱۱۰-۸۳.
- نبات دوست، م. ح.؛ محمدزاده سالطه، ح. (۱۳۹۵). بررسی تأثیر کیفیت حسابرسی بر قابلیت مقایسه صورت‌های مالی در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس تهران. *فصلنامه دانش حسابرسی*، ۱۶(۶۲)، ۱۷۶-۱۵۹.

- Ashbaugh, H., LaFond, R., Mayhew, B. (2003). Do non-audit services compromise auditor independence? Further evidence. *The Accounting Review*, 78(3), 611–640.
- Barth, M. E., Landsman, W. R., Lang, M. H. & Williams, C. D. (2013). Effects on Comparability and Capital Market Benefits Of voluntary Adoption of IFRS By US Firms: Insights From Voluntary Adoption of IFRS by Non-US Firms. *Working Paper*, Available at: <http://www.ssrn.com>.
- Barth, M., Landsman, W., Lang, M. (2008). International accounting standards and accounting quality. *Journal of Accounting Research*, 46(3), 467–498.
- Chen, C.-W., Collins, D. W., Kravet, D.T. & Mergenthaler, R. (2013). Financial statement comparability and the efficiency of acquisition decisions. *Working Paper*, University of Iowa and University of Texas at Dallas. Available at: <http://ssrn.com/abstract=2169082>.
- Choi, J.-H., Choi, S., Myers, L. & Ziebart, D. (2014). Financial Statement Comparability and the Ability of Current Stock Returns to Reflect the Information in Future Earnings, available at: <http://ssrn.com/abstract=2337571>.
- Cohen, D., Dey, A., Lys, T. (2008). Real and accrual-based earnings management in the pre- and post-Sarbanes-Oxley periods. *The Accounting Review*, 83(3), 757–787.
- Cohen, D., Zarowin, P. (2010). Accrual-based and real earnings management activities around seasoned equity offerings. *Journal of Accounting and Economics*, 50(1), 2–19.
- Cohen, D.A., Dey, A. & Lys, T.Z. (2008). Real and accrual-based earnings management in the pre- and post-Sarbanes-Oxley periods. *The Accounting Review*, 83(1), 757-787.
- De Franco, G., Kothari, S., Verdi, R. (2011). The benefits of financial statement comparability. *Journal of Accounting Research*, 49 (4), 895–931.
- Dechow, P., Kothari, S., Watts, R. (1998). The relation between earnings and cash flows. *Journal of Accounting and Economics*. 25, 133–168.
- Dechow, P., Sloan, R., Sweeney, A. (1995). Detecting earnings management. *The Accounting Review*, 70(2), 193–225.
- DeFond, M., Hu, X., Hung, M., Li, S. (2011). The impact of mandatory IFRS adoption on foreign mutual fund ownership: the role of comparability. *Journal of Accounting and Economics*, 51(3), 240–258.

- Ewert, R., Wagenhofer, A. (2005). Economic effects of tightening accounting standards to restrict earnings management. *The Accounting Review*, 80(4), 1101–1124.
- Foroughi, D. & Ghasemzad, P. (2015). The Effect of Financial Statement Comparability on Future Earnings Response Coefficients. *The Iranian Accounting and Auditing Review*, 22 (4), 479-500. (in Persian)
- Foroughi, D. & Ghasemzad, P. (2016). The Effect of Financial Statements Comparability on Stock Price Synchronicity. *Financial Accounting Researches*, 8 (1), 39-54. (in Persian)
- Frankel, R., Johnson, M., Nelson, K. (2002). The relation between auditors' fees for non-audit services and earnings quality. *The Accounting Review*, 77(1), 77–104.
- Haw, I., Hu, B., Hwang, L., Wu, W. (2004). Ultimate ownership, income management, and legal and extra-legal institutions. *Journal of Accounting Research*, 42(2), 423–462.
- Kamyabi, Y., Shahsavari, M., Salmani, R. (2016). The Study of the Accrual Earnings Management effect on the relationship between Real Earnings Management and Cost of capital. *The Iranian Accounting and Auditing Review*, 23 (1), 19-38. (in Persian)
- Karami, G. R., Davarinezhad, A., Tahriri, A. (2011). Investigation of the Relation between Real Earnings Management and Accounting Earnings Management in the Tehran Stock Exchange: Income Smoothing Perspective. *Empirical studies in financial accounting*, 9 (31), 61-77. (in Persian)
- Kaszniak, R. (1999). On the association between voluntary disclosure and earnings management. *Journal of Accounting Research*, 37(1), 57–81.
- Kim, Y. & Li, S. (2010). Mandatory IFRS adoption and intra-industry information transfer. *Working Paper*. Santa Clara University.
- Kothari, S., Leone, A., Wasley, C. (2005). Performance matched discretionary accrual measures. *Journal of Accounting and Economics*, 39(1), 163–197.
- Lang, M., Maffett, M., Owens, E. (2010). Earnings comovement and accounting comparability: The effects of mandatory IFRS adoption. *Working Paper*, University of Rochester.
- Leggett, D., Parsons, L. & Reitenga, A. (2009). Real Earnings Management and Subsequent Operating Performance. *Working paper*. Available at: <http://ssrn.com/abstract=1466411>.

- Mashayekhi, B. & Azimi, A. (2016). Influence of Manager's Abilities on The Relation Between Real Earning Management And Future Firm Performance. *The Iranian Accounting and Auditing Review*, 23 (2), 253-267. (in Persian)
- Mashayekhi, B. & Hosseinpour, A. H. (2015). The Relationship between Real Earnings Management and Accrual Earnings Management in Companies Suspected of Fraud Listed in Tehran Stock Exchange. *Empirical studies in financial accounting*, 12 (49), 29-52. (in Persian)
- Matsuura, S. (2008). On the relation between real earnings management and accounting earnings management: Income smoothing perspective, *Journal of International Business Research*, 7(3), 63-82.
- Mehrvarz, F. & Marfou, M. (2016). The Relationship between Financial Statements Comparability with Stock Price in Formative about Future Earnings. *Empirical studies in financial accounting*, 12 (49), 83-110. (in Persian)
- Mergenthaler, R.D., Chen, C.W., Collins, D.W. & Kravet, T. (2014). Financial Statement Comparability and the Efficiency of Acquisition Decisions. *Financial Accounting and Reporting Section Midyear Meeting*, Houston, Texas, January 10.
- Nabat Doost, M. H. & Mohammadzade Salte, H. (2016). The effect of audit quality on financial statement comparability in Tehran stock exchange companies. *Journal of audit science*, 16 (62), 159-176. (in Persian)
- Nakashima, M., Ziebart, D. (2015). Did Japanese- sox have an impact on earnings management and earnings quality? *Managerial Auditing Journal*, 30 (4/5), 482-510.
- Rahmani, A. & Rameshe, M. (2013). Trade-off between Accrual-based Earnings Management and Real Activities Manipulation. *The Iranian Accounting and Auditing Review*, 20 (4), 39-60. (in Persian)
- Rahnama Roodposhti, F., Vakilifard, H. R., Lak, F. (2015). Auditor style and comparability of financial statements. *Management accounting*, 8 (25), 29-47. (in Persian)
- Roychowdhury, S. (2006). Earnings management through real activities manipulation. *Journal of Accounting and Economics*, 42(3), 335-370.
- Sanjaya, P.S. & Saragih, M.F. (2012). *The Effect of Real Activities Manipulation on Accrual Earnings Management: The Case in Indonesia Stock Exchange (IDX)*. *Journal of Modern Accounting and Auditing*, 8(9), 1291-1300.

- Sohn, B. C. (2016). The effect of accounting comparability on the accrual-based and real earnings management. *Journal of Accounting and Public Policy*, 35(5), 513-539.
- Wang, C. (2014). Accounting Standards Harmonization and Financial Statement Comparability: Evidence from Transnational Information Transfer. *Journal of Accounting Research*, 52(4), 955-992.

Archive of SID